

نقد جنگ بیاض*

اصغر رضاپوریان^۱

چکیده

جنگ بیاض نام مجموعه‌ای منتخب از اشعار شاعران قرن پنجم تا قرن هفتم است که به دست کاتبی ناشناس نگاشته شده است. این نسخه خطی که دربر دارنده ششصد و پنجاه و پنج بیت شعر از شاعران نامداری همچون منوچهری، انوری، سنایی، خاقانی، مجیر، کمال و شمس طیبی است از نظر نوع نگاه انتخاب‌کننده اشعار بسیار اهمیت دارد. در این جنگ با تأمل بر ابیات منتخب به روش شناسی نقد ادبی قرن هفتم که زمان کتابت اثر بوده می‌توان راه یافت. از سوی دیگر وجود قصاید و ابیاتی که در دیوان‌های مصحح شاعران نیامده یکی دیگر از دلایل اهمیت این نسخه است. در این تحقیق به تحلیل درون مایه این جنگ توجه شده و از منظر نقد ادبی و سبک‌شناسی اشعار و شیوه انتخاب اشعار مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: جنگ بیاض، جنگ نویسی، نقد ادبی، سبک‌شناسی

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران
تاریخ وصول: ۹۳/۳/۳۰
تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۵

مقدمه

یکی از ابزارهای لازم برای رهیافت علمی به لایه‌های تاریخی یک ملت مطالعه در نسخه‌های خطی است. شناخت ظرایف و دقائق کتابت در روزگاران گذشته و کشف شگردهای انتقال فرهنگ در قالبی به نام نسخه مکتوب کار پژوهشگر نسخه‌شناس است. با مطالعه دقیق بر نسخه‌های خطی و احیای آن‌ها می‌توان حلقه‌های مفقوده فرهنگ و ادبیات یک ملت را کشف کرد. در ایران به سبب تعاملات فرهنگی تاریخی بسیار زیاد و رویکرد معنوی و هنری متفکران ایرانی، از دیرباز انتقال مفاهیم و تعالیم در قالب نسخه‌های خطی امیر مرسوم و متداول بوده است. از روزگاران پیشین متفکران، نویسندگان و دانشمندان کوشیده‌اند، حاصل مطالعات و تحقیقات خود را به صورت مکتوب، در دسترس همگان قرار دهند و برای آیندگان به یادگار بگذارند. حاصل این تحقیقات در جهان اسلام به جایی رسیده است که از حد احصاء بیرون است و کتابخانه‌های بزرگ عمومی و خصوصی در تمام دنیا مملو از این آثار است. بدیهی است که در گذشته و به خصوص قبل از صنعت چاپ، تکثیر و انتشار کتاب از طریق استنساخ صورت می‌گرفته است، و صحت و سقم مطالب آن بستگی به میزان دقت و اطلاع کاتبان مختلف داشته است که به اقتضای زمان و پیشینه علمی در این متون دست برده، چیزی را از قلم می‌انداخته‌اند، و یا احیاناً به سلیقه خود چیزی بر آن می‌افزوده‌اند و از این رو در متون، تحریفات و تصحیفات زیادی راه یافته است.

بر کسی پوشیده نیست که ترقی و تعالی یک جامعه آن گاه مقدر می‌گردد که از پیشینه تمدن خود آگاه باشد. این آگاهی را می‌توان از آثار مکتوب گذشته که به نسل‌های بعد رسیده به دست آورد. جنگ بیاض یکی از نسخه‌های خطی مربوط به سده هفتم هجری است که در آن نویسنده که احتمالاً کاتب نیز بوده است بخشی از میراث ادبی منظوم فارسی را به انتخاب خود جمع آوری کرده و به عنوان یک مجموعه خواندنی حفظ و منتقل کرده است. منوچهری، رشید طواط، انوری، سنائی غزنوی، شمس طَبسی، خاقانی و شاعران نامدار دیگر قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم در این جنگ مورد توجه نویسنده بوده‌اند. آنچه اهمیت دارد نحوه انتخاب اشعار و نسخه‌هایی است که در دسترس نویسنده بوده. در

بسیاری موارد ضبط‌هایی که در جنگ بیاض دیده می‌شود در هیچ یک از دیوان‌های مصحح شاعران نامبرده وجود ندارد و این یعنی نسخه‌های خاصی از شعر شاعران یادشده از بین رفته و این جنگ تنها سند برخی اختلاف ضبط‌هاست.

ادبیات و پیشینه تحقیق

در مورد اهمیت تصحیح متون و آنچه مربوط به امر نقد ویرایشی است در منابع مختلف سخن گفته‌اند ولی کتاب تاریخ نسخه پردازی و تصحیح متون خطی اثر نجیب مایل هروی بهترین منبع در مورد شیوه‌ها و متدولوژی تصحیح متون قدیم است. در منابع معتبر نسخه شناسی نظیر کتاب اخیر مجموعه‌ای از فنون و اصطلاحات تصحیح متون وجود دارد که حجم زیاد آن‌ها نشان از سابقه دراز دامن امر تصحیح در ایران و سایر ممالک اسلامی دارد. به دلیل نبود نسخه بدل برای جنگ بیاض به امر تصحیح به معنای اتم کلمه نمی‌توان پرداخت اما می‌توان نسخه را با متون تصحیح شده مطابقت داد. آنچه مسلم است این که نقد تصحیح مصححان دیوان‌های شاعران موجود در جنگ بیاض هم مورد نظر ما نیست چرا که ایشان به تعداد محدودی از نسخه‌ها دسترسی داشته‌اند و نمی‌توان انتظار داشت که سابقه هشتصد ساله نسخه پردازی بعد از قرن ششم را در تمامی متون تصحیحی دید و فی المثل انتظار داشت که مصحح تمامی نسخه‌هایی که از دیوان کسی چون خاقانی نگاشته شده را دیده باشد؛ این امری است محال. در این تحقیق صرفاً نگاهی به روش جمع آوری اشعار و نوع انتخاب و نیز ویژگی‌های فنی جنگ بیاض خواهیم داشت.

تاریخ نسخه پردازی و تصحیح متون از نجیب مایل هروی، نسخه شناخت از علی صفری آق قلع، روش تصحیح متون از جويا جهانبخش، مقاله معرفی جنگ بیاض از مرحوم ایرج افشار مندرج در شماره ۱۱ و ۱۲ نامه بهارستان سال ۱۳۸۵ از جمله تحقیقات مستقل و مشخصی است که با این گزارش ارتباط علمی دارد خصوصاً مقاله مرحوم افشار.

اهداف تحقیق

آشنایی با جامعه‌شناسی ذوق ادبی ایرانیان در قرن هفتم (زمان تالیف جنگ بیاض) از اهم اهداف این تحقیق است. نحوه‌گزینش شعر شاعران در جنگ بیاض و رویکرد جدی مؤلف به آوردن قصاید مدحی، نوعی از پسند جامعه ادبی را نشان می‌دهد که در بر دارنده تناقضی شگفت است. این تناقض آنجا آشکار می‌شود که می‌بینیم آمار قصاید مدحی در این جنگ بسیار بالاست. اصرار مؤلف در آوردن قصاید مدحی از شاعرانی که بیش از یک قرن از مرگ مادح و ممدوح آن‌ها می‌گذرد نشان می‌دهد که برای جامعه ایران در قرون پیشین اصل مدح و تکنیک‌های شعر مدحی مهم بوده نه موضوع مدح. فی‌المثل قصیده‌ای که در مدح سنجر یا محمود غزنوی آمده نشان می‌دهد که مؤلف به شگردهای شاعران در امر مدح توجه داشته نه به اصل ستایش پادشاهی چون سنجر یا محمود غزنوی. این مسئله نشان می‌دهد که از دید ایرانیان در طبقه بندی انواع ادبی در قرن هفتم هنوز میراث شعر خراسانی زنده است و شعر در نظر آنان یعنی اوصاف و قصیده و غزل (به معنی آنچه در آغاز قصیده می‌آید نه به معنی قالب مستقلی که سعدی و حافظ از آن بهره برده‌اند). رهیافت به پسند مردم در قرون گذشته از اهداف اصلی این تحقیق است.

بحث و بررسی

الف) کتابت جنگ، بیاض و سفینه

یکی از راه‌های تکثیر فرهنگ ایران در قرون پنجم به بعد فراهم آوردن مجموعه‌ای از شعر شاعران و حکمت حکیمان و گویندگان مشهور بوده است. این عمل را که بیاض‌نویسی، جنگ‌نویسی و سفینه‌نویسی نام داده‌اند، باید یکی از راه‌های عمده ترویج محسنات شعری در میان ایرانیان دانست. به کتابها و کتابچه‌هایی که از این راه فراهم آمده است اصطلاحاً جنگ یا سفیه گفته‌اند. کلمه جنگ (به ضم میم و سکون نون) را در فرهنگ‌های جدید فارسی به معنی بیاض بزرگ یعنی دفتر سفیدی که قطعش طولانی باشد ترجمه کرده‌اند؛ و چون این کلمه اصلاً فارسی نیست و به اصطلاح در این زبان دخیل است آن را در فرهنگ‌های قدیم نمی‌توان یافت. پر واضح است که ترجمه عربی جنگ یعنی واژه سفینه معادلی مناسب برای این دفاتر بزرگ بوده که به سبب شباهت زیادی که در کشیدگی

طول به کشتی داشته‌اند بدین‌نام شهرت یافتند. نکته جالب توجه این است که اعراب هیچگاه سفینه را به معنی جنگ یا دفتر بیاض استعمال نکرده‌اند و همه جا سفینه را معادل کشتی بزرگ به کار برده‌اند. این از تصرفات فارسی‌زبانان است که سفینه را به جای مجموعه شعری، جنگ با بیاض به کار گرفته‌اند. (افشار، ۱۳۸۶: ۳۹۳) در دیوان شاعران فارسی‌زبان واژه سفینه معادل مجموعه شعر - جنگ و برگزیده شعر، دیوان شعر، سخن و خود شعر آمده است. نمونه‌های زیر از حافظ مؤید همین مطلب است.

در این زمانه رفیقی که خالی از خلل است صراحی می‌ناب و سفینه غزل است
(حافظ، ۱۳۶۷: ۳۲)

من و سفینه حافظ که جز در این دریا بضاعت سخن درفشان نمی‌بینم
(همان: ۲۴۶)

در ز شوق برآرند ماهیان به نثار اگر سفینه حافظ رسد به دریایی
(همان: ۳۵۰)

همچنین کلمه سفینه در آثار متقدمان به معنای کتب تذکره، سفرنامه و حسب‌حال هم آمده است مانند: «سفینه النجاه» یا «سفینه سلیمانی» که شرح مسافرت یک ایرانی در عهد شاه سلیمان صفوی به سیام است. در بعضی موارد سفینه عنوان پاره‌ای از کتاب‌های تذکره نیز هست از قبیل «سفینه خوشگو» «سفینه الشعرا» (که ترجمه ترکی تذکره دولت‌شاه است) «سفینه عشرت» و «سفینه هندی» (هر دو درباره شعرای هند) و «سفینه محمود» که تذکره‌ای است درباره شاعران عهد فتحعلی شاه قاجار» (نوشه و دیگران، ۱۳۷۶: ذیل سفینه). سفینه‌ها که بیشتر در بردارنده اشعار متقدمان در قالب گوناگون بوده‌اند گاه مزین به تصاویر و نقوش می‌شدند که این کار بر جذابیت آنها می‌افزوده است.

در باب این که سنت‌نگارگری در کتاب، مربوط به ایران پیش از اسلام است تردیدی نیست. «دلیل این نکته آشنایی نسخه‌پردازان و کتاب‌آرایان ایرانی بوده است. ایرانیان به روش کتاب‌آرایی مانویان در تهیه نسخه‌های آرایشی از آثارمانی و پیروان او اهتمامی بلیغ داشتند روایت شده است که چون در (۳۱۱ هـ.ق) چهارده جعبه از نسخ آثار مانوی را در بغداد به آتش انداختند جویی از زر و سیم روانه زمین شده است این روایت حاکی از آن است که اسلوب نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی مانویان در ایران عصر اسلامی شناخته بوده

است و نسخه‌نویسان و کتاب آرایان ایرانی به رغم نسخه‌نویسان و کتاب آرایان عرب در نسخه‌نویسی و کتاب آرابی به اسلوب مذکور توجه داشته‌اند.» (مایل هروی، ۱۳۸۰: ۳۹) به سفینه‌هایی که در بردارنده اشعار و تصاویر بوده‌اند مرقع گفته‌اند (رک. دانش پژوه، ۱۳۵۹: ۱۴۸-۲۲۹) در این مرقع‌ها انواع تصاویر از اشکال طبیعت و زندگی گرفته تا تصاویر خیالی از موجودات موهوم نظیر غول و اژدها و سیمرغ و نیز تصاویر «الفیه» نقش شده است. بدیهی است که مرقع‌ها را باید در رسته نسخه‌پردازی هنری به حساب آورد و غالباً آنها را در کتابخانه سلاطین و پادشاهان سراغ گرفت. کما این که بیشتر مرقعات معروف متعلق به عهد تیموری در کتابخانه بایسنقر میرزا بوده است.

ب) ضرورت جنگ‌نویسی و سفینه‌نویسی

اگرچه کانون‌های رسمی ترویج علوم و فنون در روزگار خلافت عباسی و ادوار بعدی بیشتر دربار و مدارس دینی بوده است؛ دو کانون غیررسمی را نیز بدان‌ها باید افزود. دو کانون اثرگذار و غنی در تکثیر و ترویج ادب غیررسمی (ادب عرفانی) و ادبیات غیردرباری عبارتند از خانقاه و شاعران غیردرباری. خانقاه‌ها به عنوان مرکز همگرایی فکری اهل تصوف تا قرن پنجم هجری اهتمام چندانی بر ثبت و ضبط تعالیم و سنت‌های خود نداشتند. اما از میانه قرن پنجم هجری و با شکل‌گیری مکاتب مختلف عرفانی و نیز ستیز دستگاه خلافت عباسی با اهل فلسفه و رشد تفکر اشعری و انهدام عقل معتزلی بر اثر اقدامات سرکوبگرانه خلافت عباسی، خانقاه به عنوان مرکزی برای ترویج اندیشه‌های عرفانی و تمایلات ذوق‌ورزانه اهل زهد پای به عرصه فرهنگ ایرانی نهاد و ثبت وقایع، احوال مشایخ، اقوال پیران، آداب و رسوم، تاریخ و هر آنچه مربوط به فرهنگ خانقاهی بود در کتب اهل خانقاه صورتی جدی یافت. کانون دوم شاعران و ادیبان فارسی زبان بودند که یا خود به نگارش و کتابت نسخه آثارشان اهتمام می‌ورزیدند یا دیگران در زمان حیات شاعران نسخه آثارشان را جمع‌آوری کرده و به نظر ایشان می‌رسانیدند. ادیبان و شاعرانی هم بوده‌اند که پس از مرگشان نسخه آثارشان از سوی شاگرد، دوست یا شاعر دیگری جمع‌آوری و ضبط می‌شده است. نظیر آنچه محمد گلندام در باب حافظ و بیستون در باب سعدی به انجام رسانید. به هر حال علاقه و ارادت فارسی زبانان به شعر و ادب به لحاظ

این که ادبیات گنجینه‌ای است مشتمل بر حکمت و اخلاق و زهد و وعظ و طنز انکارپذیر نیست و همین ارادت روزافزون باعث شده است که تصرفات فراوانی از سوی کاتبان و خوانندگان در مطاوی دواوین شاعران صورت گیرد و امر تصحیح را دشوار سازد.

جنگ‌نویسی و سفینه‌پردازی به لحاظ این که امکان گردآوردن بهترین و بیشترین اشعار شاعران ادوار مختلف را در حول یک یا چند موضوع خاص فراهم می‌کرد از همان قرون اولیه مورد توجه واقع شد ولی شکوفایی این هنر را می‌توان از قرن ششم به بعد دانست. نگارش اشعار یک یا چند شاعر در باب موضوعات خاص می‌تواند بیانگر این واقعیت باشد که ذوق ادبی جامعه در روزگار کتابت بر چه مایه‌هایی از ادب انگشت می‌نهاده است. به بیان دیگر می‌توان با مطالعه در جنگ‌ها، سفینه‌ها، مرقع‌ها و کشکول‌ها به میزان پسند و ذوق اجتماعی مردم هر روزگار پی برد. سفینه‌ها به مثابه مجلات امروزی در بردارنده کالای مشتری پسندی از جنس ادب بوده‌اند که غالباً مخاطبشان از خواص تا عوام بوده است. شعر یا نثری هم که بتواند رضایت خاطر خواص را فراهم آورد و ذوق عوام را هم برانگیزد البته واجد ارزش بوده است. شاید کتابهایی نظیر «المحاضرات راغب اصفهانی» که نوعی جنگ یا مجموعه‌ای از لطایف و نوادر سخنان و گزارش احوال گذشتگان است بتواند دلیل روشنی بر این مدعا باشد. همچنین است مقامه‌ها که شاید بتوان آنها را نیز در رسته جنگ‌نویسی و سفینه‌پردازی منشور به حساب آورد. با این تفاوت که در جنگ‌نویسی کاتب آثار دیگران را کتابت می‌کند ولی در مقامه نویسی، ادبیات اثر متعلق به نویسنده یا شاعر است و از این لحاظ از یکدستی خاصی بهره می‌برد. کتابهایی نظیر «جوامع الحکایات» نیز نوع دیگری از این گرایش ذوقی به حساب می‌آیند. مردم برای گذران زندگی و برای سرگرم شدن غیر از آن که به ادب غیررسمی و شفاهی می‌پرداختند به گزینه‌های ادب رسمی نیز توجه جدی نشان می‌دادند و از همین روی است که کتابهای جامع در زمینه حکایات، امثال و اقوال پدید آمد. از نظر جامعه‌شناسی ذوق ایرانی می‌توان سفینه‌ها را خلاصه الطبع شاعران و خوانندگان دانست. بدین معنی که مردم آنچه را از ادب رسمی می‌پسندیدند به دست خود یا از طریق سفارش به کاتب و نسخه‌نویس فراهم آورده و چکیده آنچه را می‌پسندیدند در کنار خود و همراه خود داشتند.

پ) جنگ نویسی و نقد ادبی

همان‌طور که گفته شد جنگ‌ها و سفینه‌ها به دفترهایی اطلاق می‌شده که از عرض صحافی شده و از طول باز می‌شده‌اند و غالباً قطع آنها کوچک بوده به طوری که بتوان همیشه آن را در آستین داشت و بهنگام از آن بهره برد. دفترهای بیاضی که از شعر شاعران پیشین فراهم می‌آمده در حقیقت از صافی نقد ادبی روزگار خود عبور کرده‌اند. می‌دانیم که نظریه نقد ادبی به شکل رسمی در ایران وجود نداشته و تا سده دهم هجری که اولین بارقه‌های نقدنویسی در ادب سبک هندی ظهور کرد نقدنویسی بر آثار شاعران و ادیبان پیشین رسم نبوده است. بیاض‌نویسی از نظر نقد ادبی اهتمام ورزیدن به آثار و توجه به اشعاری بوده است که مورد پذیرش ملاک‌های ادبی روزگار خود بوده‌اند. بدیهی است که کاتب هیچگاه شعری را که از نظر وزن و ردیف و قافیه و صور خیال اشکال و اختلالی داشته نمی‌نگاشته است؛ همچنین هیچکس به کتابت چنین اشعاری سفارش نمی‌کرده است. پس می‌توان سفینه‌ها را دفترهای معیار نقد ادبی هر روزگار داشت. به طوری که با مطالعه آنها می‌توان به ملاک‌های نقد ادبی زمان نگارش (نه سرایش) پی برد.

از نظر سبک‌شناسی نیز این مجموعه‌ها را می‌توان سندی مهم و راهگشا به حساب آورد. این‌گونه آثار نماینده جریان مسلط سبکی در روزگار خود بوده‌اند تسلط یک قالب (مثل قصیده) بر سایر قالب و اهتمام جدی شاعران به سرودن آن قالب و نیز استحاله در قالب شعری از طریق تحول در مضامین و ساختار، به بازشناسی سبکی جریان غالب در هر روزگار کمک می‌کند. در تأیید این نظر ذکر یک نمونه عالی از سفینه‌های ادبی و تاریخی ایرانی خالی از فایده نیست علی‌الخصوص که این سفینه نو یافته هم باشد.

در سال ۱۳۷۴ کتابخانه مجلس شورای اسلامی نسخه‌ای ارزشمند از یک سفینه ناشناخته را که بعداً به "سفینه تبریز" موسوم شد خریداری کرد و با کوشش نصرالله پورجوادی این سفینه در سال ۱۳۸۱ به صورت چاپ عکسی از سوی مرکز نشر دانشگاهی منتشر شد. سفینه تبریز دستنویسی پر حجم و گرانبها از برگزیده آثار ادبی، فرهنگی، فلسفی و عرفانی است که در خلال سالهای ۷۲۰ تا ۷۲۳ هـ. ق به دست کاتبی فاضل به نام "ابوالمجد محمدبن مسعود تبریزی" نگاشته شده است. در این کتاب ارزشمند آثار فراوانی از شاعران و ادیبان خطه تبریز به ویژه نمونه‌های کم نظیری از خاقانی ثبت شده که در هیچ

جنگ، سفینه یا دیوان دیگری یافت نشده است. ارزش و اهمیت این سفینه به حدی است که بخش ایران‌شناسی دانشگاه لیدن هلند کنفرانس ویژه‌ای برای بازشناسی و بررسی علمی این نسخه نو یافته در آن کشور برگزار کرد. پاره‌های فراوانی از آثار و احوال ادبی و فرهنگی ایران تا قرن هشتم هجری را می‌توان از خلال سطر به سطر این سفینه ارزشمند بیرون کشیده و بررسی کرد. کشف این سفینه ارزشمند به عنوان یک انقلاب ادبی و فرهنگی بی‌نظیر در تاریخ نسخ خطی ایران به ثبت رسیده و هنوز تحقیقات استادان و نسخه‌شناسان بر آن ادامه دارد. (پورجوادی، ۱۳۷۹: ۵۹) با توجه به کشف سفینه تبریز، در سالهای آینده باید منتظر دریافت‌های جدید از تاریخ و فرهنگ و نیز دگرگونی در برخی آراء سبک‌شناسی و تاریخ ادبیات ایران باشیم.

ت) جنگ بیاض؛ معرفی و تحلیل

در دی‌ماه ۱۳۸۳ سمینار بنیاد ایران‌شناسی در تهران برگزار شد. در این سمینار دکتر «توفیق . ه. سبحانی» استاد بازنشسته دانشگاه پیام‌نور سخنرانی خود را با عنوان «معرفی یک نسخه ارزنده خطی» ارائه کرد. در این سخنرانی صحبت از جنگی به میان آمد که احتمالاً در نیمه اول قرن هفتم هجری کتابت شده است. هر چند اول و آخر این نسخه خطی افتاده و از کاتب و سفارش دهنده جنگ اطلاعی در دست نیست؛ ایشان به مدد اطلاعات نسخه‌شناسی و نیز اطلاعاتی که دکتر نصرالله پورجوادی سردبیر سابق مجله نشر دانش و عضو مرکز نشر دانشگاهی در اختیار ایشان قرار داده‌اند، تاریخ کتابت را همان قرن هفتم حدس زده‌اند. بعدها مرکز پژوهشی میراث مکتوب تصویر این نسخه را در اختیار علاقه‌مندان قرار داد. آقای دکتر «توفیق سبحانی» در آن سخنرانی به ضرورت مقابله وارونه این نسخه با دیوان‌های شاعران و گویندگانی که نامشان در این جنگ آمده است اشاره کرد. این نسخه هفتاد و هشت صفحه‌ای به ابعاد (۱۷۷×۱۲۵) و بیاضی است. این جنگ مجموعه‌ای از اشعار چهارده تن از شاعران متقدم ایران است که قدیم‌ترین آنها منوچهری دامغانی (ف ۴۳۲) و نزدیک‌ترین آنها به زمان کتابت کمال اصفهانی (ف ۶۳۵) است. از این‌رو و براساس سال درگذشت این دو شاعر محدوده زمانی شاعران مندرج در این جنگ از اوایل قرن پنجم تا اوایل قرن هفتم است. شاعرانی که در این جنگ آمده‌اند به

ترتیب عبارتند از: خواجه رشیدالدین وطواط، اوحدالدین انوری، سنایی غزنوی، شمس‌الدین طیبی، برهان‌الدین سمرقندی، حسام‌الدین نبیره، ضیاء‌الدین فارسی (خجندی)، شمس‌الدین معزی، خاقانی شروانی، ناصر خسرو قبادیانی، منوچهری دامغانی، کمال‌الدین اسماعیل اصفهانی، مجیرالدین بیلقانی و سیدحسن غزنوی. یک مصرع هم از شاعری ناشناس در صدر صفحه نخست وجود دارد که گوینده آن شناخته نشد. آن مصرع چنین است: «غلام و خادم و داعی رهی بنده رهی چاکر» ظاهراً این مصرع، مقطع شعری است که در صفحه یا صفحات قبل نسخه نگاشته شده ولی به علت مفقود شدن آن صفحات همین یک مصرع در نسخه حاضر باقی مانده است. خط این نسخه نسخ جلی است (خطی که در قرون پنجم تا هشتم برای نگارش کتب ادبی متداول بوده است) عنوان‌ها به سنگرف و جلد آن مقوایی است. بدون احتساب یک مصرع مذکور جمعاً، ششصد و پنجاه و پنج بیت در این جنگ نگاشته شده که شامل بیست و پنج قطعه شعر از؛ قصیده، غزل (غزل قصیده) و قطعه است. توفیق سبحانی در ضمن معرفی نسخه گفته است که دو قطعه از سنایی در این جنگ آمده و در دیوان او یافت نشده است.

با جست و جویی ساده معلوم می‌شود که یکی از آن دو قطعه متعلق به اوحدالدین انوری است اما در این جنگ اشتهاً به سنایی غزنوی نسبت داده شده است. آن قطعه چنین است: یکی و پنج و سی و بیست و نیم / اگر ممکن بود فرسنگی چند / از این چون در گذشتی عیش می‌کن / گناه از بنده و عفو از خداوند (انوری، ۱۳۷۲: ۲۱۷).

همچنین یک قصیده از رشید وطواط و یک قصیده از منوچهری دامغانی در این جنگ ضبط شده که در دیوان گویندگان آنها یافت نشده است (رک. افشار، ۱۳۶۷: ۲۳۰۱). از شاعرانی که در این جنگ نام برده شده برهان‌الدین سمرقندی و حسام‌الدین نبیره ناشناخته‌اند؛ فقط در مورد حسام‌الدین نبیره چند کلمه‌ای در اخبارالاکهار آمده (رک. محدث دهلوی، ۱۳۱۳: ۲۲۳)، او را از نبیرگان خواجه معین‌الدین چشتی دانسته‌اند. از ضیاء‌الدین فارسی (خجندی) نیز اطلاع دقیق و روشنی هنوز در دست نیست و تا زمانی که دیوان وی به چاپ نرسد اطلاعات ما در این زمینه ناقص است. سایر شاعران و گویندگان مندرج در این جنگ برای اهل ادب شناخته شده هستند.

از ویژگی‌های ممتاز این نسخه می‌توان به مشکول بودن تعداد زیادی از کلمات اشاره کرد. این کار به روان‌خوانی و آگاهی از گونهٔ زبانی کاتب (یا شاید شاعر) کمک شایانی می‌کند. اصرار کاتب در مشکول کردن واژه‌ها به حدی است که حتی فتحهٔ ما قبل مصوت بلند «آ» را که در فارسی ظاهر نیست ظاهر کرده و کلماتی نظیر جان - نشان - مکان را به صورت جان - نشان - مکان نوشته است. «گفتنی است که بیش‌ترین نسخهٔ مشکول زبان فارسی پیش از سده هفتم هجری کتابت شده است. زیرا زبان فارسی پیش از ۸۰۰ هـ. ق. دارای گونهٔ معیار ادبی در کلیت و تمامیت قلمرو فارسی زبانان نبوده است» (مایلی هروی، ۱۳۸۰: ۴۴). از این رو چون مؤلفان یا کاتبان گونه‌های متفاوت و متنوع ضبط واژه‌ها را در نسخه‌های خطی می‌دیدند و می‌خوانده‌اند، طبیعتاً به هنگام نسخه‌نویسی گونه بومی و عادی خود را ضبط می‌کرده‌اند.

علاوه بر این از سده هفتم هجری به بعد که زبان فارسی وسعت یافت و از یک سوی تا دورترین مراکز قدرت ترکان آسیای صغیر نفوذ کرد و از سوی دیگر تا کرانه‌های خاور دور پذیرفته شد، فارسی دانانی پیدا شدند که زبان مادری آنان فارسی نبود و خواندن خط و نوشته فارسی در کتاب‌ها و نسخه‌ها در صورتی که واژه‌های مشکول می‌داشت برایشان آسان می‌نمود. به نظر می‌رسد برای روشن‌تر شدن این بحث ذکر نمونه‌ای از جنگ بیاض ضروری است.

از شمس‌الدین طبسی:

خیز ای گرفته روی گل از عارض تو خوی

تا باغ عمر تازه کنیم از نسیم می

دامن‌کشان به حضرت سلطان گل خرام

تا سرو در هوای تو بندد میان چونی

بلبل نگر کی در طلب باغ عارضت

فرسوده کرد عرصه آفاق زیر پی

ای دلبرم که فوطه زنگار فام گل

از رشک چهره تو قبا شد هزار بی

از یک مدد کی نزهت رخساره تو کرد
 لطف بهار تعبیه شد در نهاد دی
 گل پاره ای حریر ز هم یافته بیش نیست
 مگذار تا عذار تو نسبت کند بوی
 از نرگس سیه دل جادو سؤال کن
 کاین جور تا چه مدت و این عشوه تا به کی
 عدل خدا یگان وزارت جهان گرفت
 زین بیش تیغ جور مکش بر زمانه هی
 فرخنده صدر دولت و دین آنک دست او

برهم شکست قاعده‌خاندان طی

(جنگ بیاض، ۱۳۸۴: ۲۳)

در همین نمونه مختصر چندین مورد از شیوه قرائت یا گونه زبانی کاتب روشن می‌شود. فعل امر خرام از مصدر خرامیدن را با فتحه آغاز کرده است، ضمه کلماتی نظیر چو که در «و» ظاهر شده مجدداً بر کرسی صامت قبل از «و» نشانده است، فتحه قبل از مصوت بلند «آ» را ظاهر کرده است. «ک» موصول و ربط را هم به صورت «کی» با یاء مجهول و هم به صورت «که» ضبط کرده است، واژه عارض را عارض ضبط کرده است. هر جا هاء غیرملفوظ وجود داشته حرکت ماقبل فتحه را ضبط کرده است نظیر «فرسوده»، «عرصه»، «تعبیه» براساس سنت متداول کاتبان قرون قبل از هشتم هجری پ را ب/ج را ج/گ را ک/ژ را ز ضبط کرده است. مانند چهره که چهره و پاره‌ای که پاره‌ای ضبط کرده است. کسره اضافه را در کلماتی که مختوم به هاء غیرملفوظ هستند به صورت یاء مصغر «ء» ضبط کرده است. مثل «رخساره» و «فوطه». در کلمات مختوم به هاء غیرملفوظ علامت نکره را به همین صورت با یاء مصغر ضبط کرده. مثل «پاره‌ای» که «پاره» ضبط شده است. حرف اضافه «به» متمم‌ساز را «ب» ضبط کرده است. نظیر ترکیب «به وی» که به صورت «بوی» ضبط شده است. در کلماتی نظیر سؤال همزه را ظاهر نکرده است. بنابراین کلمه سؤال را به صورت مشکول «سؤال» ضبط کرده است. حرف ربط «که» هر جا قبل از صفت یا ضمیر اشاره «این» و «آن» آمده بدانها متصل شده و اسقاط الف صورت گرفته

است. نظیر «کاین» که به صورت «کین» ضبط شده است. عشوَه را عَشَوَه ضبط کرده است. غالباً «به» حرف اضافه را متصل کرده است نظیر «تابکی». اسقاط نقطه‌های حروف براساس سنت کاتبان قرون قبل از هشتم هجری فراوان صورت گرفته مثل «جهان» که «جهان» ضبط کرده است. واژه‌هایی نظیر «دَوْلَت» و «جَوَهَر» را با همان قرائت قدیم «دولت» و «جوهر» ضبط کرده است یعنی «و» را صامت گرفته و حرکت ما قبل آن را «فتحه» ضبط کرده است در حالی که امروز غالباً «و» را مصوت کوتاه «و» فرض می‌کنیم. حرف ربط را با ضمیر «آن» و «این» ترکیب کرده است و حرکت آن را بر آخرین حرف ظاهر کرده است در حالی که امروز حرکت را در هاء غیرملفوظ ظاهر می‌کنیم نظیر «آنکه» که بصورت «آنک» ضبط کرده است. کلمه «خاندان» را «خاندان» ضبط کرده و این نیز در خصوص گونه زبانی و نحوه قرائت کاتب سند جالب توجه دیگری تواند بود. «گونه زبان عبارت است از تلفظ‌ها و صورت‌هایی از واک‌ها، واژه‌ها و ساخت‌های دستوری یک زبان واحد، که در زمان و مکان و به مناسبت‌ها و موقعیت‌های کارکرد زبان در اجتماع به وجود می‌آید و با گونه معیار تفاوت‌هایی در صورت و واژه و برخی از ساخت‌های دستوری دارد.» (همان: ۳۱۹).

این نمونه مختصر نه بی‌تی از جمع ششصد و پنجاه و پنج بیت مندرج در این جنگ مشتی از خروار است. تدقیق و تأمل در صورت آوانگاری و کتابت این نسخه نکات ارزشمندی از شیوه قرائت و سخنوری کاتب که به احتمال قریب به یقین در نیمه اول قرن هفتم می‌زیسته است بر ما روشن می‌کند.

خط این نسخه «نسخ جلی» است خط نسخ به شیوه‌ای از کتابت متداول در قرون ششم و هفتم می‌گویند که بخاطر کثرت دوایر و عدم استفاده از زوایای تند سرعت بیشتری در کتابت دارد این خط را بدین جهت نسخ نامیده‌اند که با پیدایش آن شیوه کتابت به خط کوفی منسوخ شد. چون خط کوفی از زوایای زیادی برخوردار است و انحنا و دوایر در آن تقریباً وجود ندارد و نتیجه این که سرعت کاتب در نگارش به خط کوفی بسیار کم و به خط نسخ بسیار زیاد بوده است. اغلب نسخه‌های فارسی و عربی تا قبل از قرن هشتم به این خط کتابت می‌شده است از قرن هشتم با رواج اسلوب کتابت و مکتب خوشنویسی یاقوت مستعصمی بیشتر کاتبان به این شیوه روی آوردند. صفت "جلی" به نوعی از خط

می‌گویند که «فربه و درشت و روشن نوشته شده باشد. خطی که دارای اندازه‌های شش دانگ، چهاردانگ، سه دانگ، دو دانگ، نیم‌دو دانگ باشد، کتابت آنها جلی نامیده می‌شود.» (همان: ۲۷۲).

در این نسخه فصل‌بندی به مفهوم معهود و متداول آن وجود ندارد. کاتب پس از فراغت از شعر شاعر به سراغ شاعر دیگری می‌رود و با یادکرد نام او عنوانی مختصر با شنگرف به رنگ قرمز بر صدر شعر می‌نشانند اگر قرار این بوده که از شاعر شعر دیگری نیز نقل کند از عبارت «وله» یا «ایضاًله» استفاده است. این نسخه شماره صفحه ندارد.

در این نسخه و در پایان تمام صفحاتی که شماره زوج می‌گیرند رکابه‌نویسی دیده می‌شود. «رکابه یا رکابک مأخوذ است از رکاب - حلقه مانندی از فلز که در دو طرف زین سرکوب آویزند و به هنگام سواری پای در آن کنند - به علاوه «ها»ی اسمی، که در عرف نسخه‌نویسی به اولین کلمه از نخستین سطر صفحه سمت چپ گفته می‌شود که در کناره سمت چپ و در زیر آخرین کلمه از آخرین سطر صفحه سمت راست کتابت شده باشد. رکابه‌نویسی از آداب رایج در نسخه‌نویسی و کتابت بوده و نقش صفحه شمار را برعهده داشته است.» (همان: ۲۹۴). نکته قابل ذکر این که رکابه‌های این نسخه در گوشه سمت چپ صفحه راست کتابت نشده بلکه در وسط صفحه و پایین آن نوشته شده است.

صفحات ۱۲ / ۳۴ / ۵۲ / ۵۶ رکابه ندارد و این احتمال هست که در عکس‌برداری از نسخه خطی رکابه‌ها ساقط شده باشند اما در صفحات ۱۸ / ۳۲ / ۳۶ / ۳۸ / ۵۴ / ۵۸ رکابه‌ها به جای این که سمت چپ یا پایین در قسمت وسط صفحه باشند در سمت راست صفحه نوشته شده‌اند و ظاهراً به خط دیگری است. شاید هم کاتب در قرائت‌های بعدی با قلمی خفیف‌تر آنها را نگاشته باشد. رکابه صفحه ۲۸ به خودی خود فاقد اعتبار است چون در ذیل این صفحه کلمه «از» را در پایین صفحه کتابت کرده و در صفحه بعد بیت معروف امیر معزی «از روی یار خرگهی ایوان همی بینم تهی / وز قد آن سرو سهی خالی همی بینم چمن» را نگاشته است. اما سپس دریافته که این بیت را در صفحه قبل به عنوان سومین بیت کتابت کرده بنابراین روی آن خط کشیده و عملاً صفحه ۲۹ را با بیت «تمثال‌های بوالعجب خاک آوریده بی‌سبب / گویی دریدند ای عجب بر تن ز حسرت پیرهن» آغاز کرده است. پس در قرائت‌های بعدی رکابه صفحه ۲۸ را باید «تمثال‌های» کتابت می‌کرد.

سنت حاشیه‌نویسی در حاشیه اشعار و دیوان‌ها در نسخ خطی سنتی امری متداول و پسندیده بوده است. توضیح این که دو شیوه متداول در کتابت حواشی وجود داشته است.

الف) اگر مطالب مربوط به اصل متن بوده آنها را حاشیه می‌گفتند.

ب) اگر کتابی یا رساله‌ای در حواشی سفید نسخه کتابت می‌شده و ارتباطی با متن اصلی نداشته (به تعبیری دیگر استقلال داشته است) آن را هامش نسخه می‌گفتند.

حاشیه‌نویسی در کناره نسخه‌های خطی و دیوان‌ها یا به دست خود کاتب یا شاعر انجام می‌شد یا دیگران پس از مطالعه نسخه مطالبی را که مفید می‌پنداشتند یا تصور می‌کردند که کاتب در نگارش آنها سهوی به خرج داده در حواشی ضبط می‌کردند. در حواشی برخی صفحات این نسخه مطالبی کتابت شده از جمله در حاشیه صفحه ۹ بیتی از شمس‌الدین طبری که قبلاً از قلم افتاده را به صورت عمود بر سایر ابیات کتابت کرده آن بیت چنین است: «آن قصه خوانده‌ای که مسیحا بعون فقر / از آفتاب افسر از چرخ‌گاه یافت. همچنین در حاشیه صفحه ۳۲ و در کنار قصیده خاقانی نکاتی کتابت شده که به ظن قوی از دیگران بوده است. در سمت چپ عنوان نوشته شده: «خرابات صحیفه ۱۴۴ جلد ۱» و در سمت راست قصیده در حاشیه آمده: «خرابات ۱۲ بیت دارد ناقص است. صفحه ۴۲ و صفحه ۷۸ این نسخه از لحاظ آرایش و یکدستی با سایر صفحات مطابق نیست در صفحه ۴۲ که دنباله ابیات قصیده منوچهری است کاتب بین مصرع‌ها را با شنگرف تزئین کرده است و فاصله بین هر مصرع با مصرع بعدی را با سه نقطه قرمز زینت داده است. این کار را در دو بیت اول کتابت شده در صدر صفحه به انجام رسانیده و در هفت بیت بعدی سه نقطه شنگرفی را در پایان مصرع اول و آغاز مصرع دوم قرار داده است. روش کتابت این هفت بیت پلکانی است ولی دو بیت اول موازی (نردبانی) است. در صفحه ۷۸ دو خط موازی با شنگرف در دو سوی صفحه به صورت موازی از بالا تا پایین صفحه ترسیم شده و در حقیقت قصیده «سیدحسن غزنوی» را بین خود در برگرفته است. خطوط ناآشنای شبیه به حرف «ی» در حاشیه و در خلال ابیات این صفحه ترسیم شده که به نظر نمی‌رسد واجد معنا و مفهوم خاصی بوده باشد. در هر صفحه به طور متوسط هفده سطر وجود دارد که اگر عنوان یا عناوین هم در صفحه افزوده شود تعداد ابیات یا سطور را ثابت

و در حد همان هفده سطر نگاه می‌دارد. نظیر صفحه ۸ با سه عنوان و هفده سطر / صفحه ۲۰ با دو عنوان و هفده سطر.

بیشتر اشعاری که در این جنگ کتابت شده‌اند در قالب قصیده هستند. شاعرانی هم که شعرشان نقل شده اغلب شاعران قصیده‌گوی معروف فارسی هستند. به احتمال قریب به یقین در این جنگ نام کسانی چون عنصری و فرخی سیستانی که از نام‌آوران سنت قصیده‌سرایی فارسی هستند وجود داشته ولی از آنجایی که بخش‌هایی از این جنگ مفقود شده این حقیقت بر ما همچنان نامکشوف خواهد ماند.

موسیقی اشعار منتخب

اشعار منتخب در این جنگ از لحاظ موسیقی شعر و نحوه گزینش نکات ارزشمندی از پسند ادبی زمان کتابت را بر ما روشن می‌کنند این اشعار در اوزان زیر سروده شده و از سوی کاتب انتخاب شده‌اند. بحر مضارع مثنی‌اخر مکفوف (مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن) هفت بار / بحر هزج مثنی‌سالم (مفاعیلن مفاعیلن مفاعیلن) چهار بار / بحر مجتث مخبون (مفاعیلن فعلاتن مفاعیلن فعلن) چهار بار / بحر هزج مثنی‌اخر (مفعول مفاعیلن مفاعیلن فعولن) سه بار / بحر هزج مسدس محذوف (مفاعیلن مفاعیلن مفعولن) دوبار / بحر رمل مثنی‌محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) دو بار / بحر رمل مثنی‌مخبون (فاعلاتن فعلاتن فعلن) دو بار / بحر رجز مثنی‌سالم (مستفعلن مستفعلن مستفعلن) دو بار / بحر مضارع مثنی‌اخر (مفعول فاعلاتن مفعول فاعلاتن) یک بار.

غیر از دو پاره شعری که مسدس هستند بقیه مثنی‌ا هستند. کشدار بودن وزن شعر فارسی در ادوار اولیه که قصیده در بردارنده مدح و وصف بود از امتیازات آن به حساب می‌رود و در قرون ششم و هفتم و هشتم که قصیده در خدمت تبیین اندیشه‌های عرفانی و فلسفی قرار گرفت خودبه‌خود کشداری موسیقایی آن به نوعی اختصار هنری میل کرد. به غیر از آن تک مصرعی که ظاهراً باید از یک قصیدهٔ مقفا بوده باشد سایر قوالب شعری منتخب در این جنگ از لحاظ موسیقی کناری (قافیه) قابل توجه‌اند. پانزده تکه از اشعار (در هر قالبی که بوده‌اند) مقفا و دوازده تکه از اشعار مردّف هستند.

نتیجه

جنگ بیاض (یا به گفته ایرج افشار جنگ بیاض) مجموعه‌ای است غنی از شعر منتخب قرون پنجم تا هفتم هجری که به دست کاتبی ناشناس نگاشته شده. در بررسی این نسخه نتایج زیر حاصل شد:

۱. با توجه به مشکول بودن بسیاری از کلمات در کتابت این نسخه می‌توان به گونه خاص زبانی کاتب در قرن هفتم پی برد. این گونه خاص زبانی در تلفظ برخی از واژه‌ها با آنچه مرسوم و متداول بوده تفاوت دارد و این امر اهمیت زبان شناختی این نسخه را نشان می‌دهد.

۲. یک قصیده از رشید وطواط و یک قصیده از منوچهری دامغانی در این جنگ ضبط شده که در دیوان گویندگان آنها یافت نشده است. از طریق این ضبط می‌توان به تکمیل تصحیحات متونی از این دست اقدام کرد.

۳. قطعه‌ای از انوری در این جنگ اشتبهاً به سنایی نسبت داده شده.

۴. بعضاً نام شاعرانی در این جنگ آمده که اطلاعات چندانی از زندگی و شعر آنها در دست نیست مانند حسام الدین نبیره و برهان الدین سمرقندی. این جنگ می‌تواند اولین سند برای کشف این شاعران و احیاناً نسخه اشعارشان باشد.

۵. از طریق مطالعه این نسخه می‌توان به ملاک‌های نقد ادبی و رویکردهای سبکی و نیز به جامعه شناسی ذوق ادبی فارسی زبانان در قرن هفتم و در زمان کتابت نسخه پی برد.

منابع

۱. افشار، ایرج و اصفهانیان، کریم. (۱۳۶۷). نامواره دکتر محمود افشار ج ۴. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
۲. انوری، اوحدالدین. (۱۳۷۲). دیوان انوری. به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. ج ۳. تهران: علمی و فرهنگی.
۳. انوشه، حسن و دیگران. (۱۳۷۶). دانشنامه ادب فارسی ج ۲، فرهنگنامه ادبی فارسی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. پورجوادی، نصرالله. (۱۳۷۹). عرفان اصیل ایرانی در سفینه تبریز در "دوفصلنامه نامه بهارستان، سال اول، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۷۹"
۵. جنگ بیاض. (۱۳۸۴). به اهتمام دکتر توفیق سبحانی، ضمیمه فصلنامه آیین میراث، سال سوم. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۶. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. (۱۳۶۷). دیوان حافظ. به اهتمام محمد فروزینی و قاسم غنی. ج ۵. تهران: زوار.
۷. دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۵۹). مرقع سازی و جنگ نویسی در "فرخنده پیام (مجموعه مقالات تحقیقی - علمی) یادگار نامه استاد دکتر غلامحسین یوسفی"، انتشارات دانشگاه مشهد.
۸. مایل هروی، نجیب. (۱۳۸۰). تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی. تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۹. محدث دهلوی، عبدالحق. (۳۸۳). اخبارالاخیر فی اسرار الابرار. به کوشش علیم اشرف خان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

* این مقاله محصول طرح پژوهشی است با عنوان "بررسی و تحلیل جنگ بیاض" که بر اساس مصوبه نهایی مورخ ۹۲/۸/۲۰ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد پایان یافت.